



درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۲۲ / شهریور / ۱۳۹۹

موضوع کلی: نواهی

موضوع جزئی: تنبیهاست مسئله اجتماع امر و نهی - تنبیه اول: عبادات مکروهه -

کلام محقق خراسانی - پاسخ اجمالی

جلسه: ۱

سال دوازدهم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

تأثیر علم بر نفس انسان

حضرت علی علیه السلام می فرماید: «كُلُّ وَعَاءٍ يَضِيقُ بِمَا جُعِلَ فِيهِ إِلَّا وَعَاءُ الْعِلْمِ؛ فَإِنَّهُ يَتَّسِعُ بِهِ»^۱

فضای هر ظرفی در اثر مظروف و محتوای خودش تنگ تر می شود الا ظرف دانش و علم که با دانش اندوزی و تحصیل علم فضای آن بازتر می شود.

هر ظرفی گنجایشی دارد، اگر در آن ظرف چیزی ریخته شود، به میزان چیزی که در آن ظرف ریخته می شود از گنجایش آن ظرف کم می شود، از یک لیوان خالی بگیرد تا یک حوض بزرگ یا یک استخر بزرگ که هر چه آب در آن ها ریخته شود از گنجایش آن ها کم خواهد شد، اما ظرف دانش و علم که عبارت از روح و نفس آدمی است، هر چه مظروفش بیشتر شود گنجایش و وسعتش بیشتر می شود. این هم خاصیت خود ظرف است که نفس آدمی است هم خاصیت مظروف است که عبارت است از علم پس هم مظروف و هم ظرف هر دو این خاصیت را دارند، این ظرفیت را دارند که وسعت پیدا کنند، هر علمی چه علم توحید و چه علم الهی و چه علوم غیر الهی این خصوصیت را دارند که در ظرف روح انسان که ریخته می شوند، باعث سعه وجودی و سعه روح انسان می شود، البته اینکه انسان بتواند علم الهی را تحصیل کند و علم توحید در او قدرت و قوت پیدا کند خیلی متفاوت است. آنچه که بیشتر مد نظر است علم الهی است، به ویژه علم توحید، علم توحید در واقع صرف برخی مفاهیم تصویری و تصدیقی نیست که ذهن انسان از این مفاهیم انباشته شود، علم توحید در واقع یک علم عملی است، منظور از علم عملی یعنی اینکه انسان به حسب واقع، با براهین و استدلال ها به توحید و وحدانیت مبدأ عالم و ما هو المؤثر فی العالم برسد و آنگاه با تمام وجود به این امر باور و ایمان قلبی پیدا کند، وقتی هم ایمان قلبی پیدا کرد و با تمام وجود آن را قبول کرد، آن وقت عبادتش، اعمالش و رفتاش همه رنگ و بوی الهی پیدا می کند، این باور هر چه قوی تر باشد، روح انسان سعه بیشتری پیدا می کند. در سایر علوم هم همینطور است، این خاصیت ظرف و مظروف است، هم ظرف این خاصیت را دارد و هم مظروف اما در باب علم الهی و توحید، آن علمی که اخلاق و انسانیت را در انسان قوی تر می کند این مسئله برجسته تر است. کسی که این علم در او قوی تر شود و بیشتر در این علم محض شود، علمی که در بطنش عمل هم وجود دارد، این شخص هر چه بیشتر بداند و هر چه بیشتر باور قلبی پیدا کند و هر چه بیشتر عامل به این علم باشد و رفتارش را در این چارچوب تنظیم کند، این شخص سعه وجودیش بیشتر می شود و به همین دلیل قرب بیشتری به حق تعالی

^۱ نهج البلاغه، حکمت ۲۰۵.

پیدا می‌کند. قرب به حق تعالی که غایت خلقت این عالم است و غایت آفرینش انسان است و کمال سعادت انسانی در آن است، این با علم، آن هم علم توحید کمال پیدا می‌کند به این معنا که عمل را در انسان تقویت کند نه صرف برخی مفاهیم تصویری و تصدیقی و قضایا که خودش بیشتر باعث ظلمت است، بیشتر حجاب است، بیشتر انسان را از حقیقت دور می‌کند.

لذا اگر روح انسانی اینچنین است که می‌تواند اتساع و وسعت بیشتری پیدا کند، اگر علم این خصوصیت را دارد که موجب تنگ‌تر شدن ظرف خودش نمی‌شود مخصوصاً علم توحید، بنابراین هرچه ما بیشتر برای تحصیل علم تلاش کنیم و هرچه بیشتر این ظرف روحمان را از علم و دانش انباشته‌تر کنیم، این ظرف وسیع‌تر می‌شود و خودش راه‌های تازه‌ای برای ما باز خواهد کرد، تحصیل علم و تحصیل دانش در هر شرایطی این اثر را دارد بنابراین چه در شرایطی که همه امور مهیا است و چه در شرایطی که تنگنا وجود دارد و سختی وجود دارد و انسان آنگونه که باید و شاید این امکان برایش فراهم نیست، در هر صورت اگر بخواهیم به کمال انسانی برسیم و اگر بخواهیم به مقام قرب حق تعالی برسیم و اگر بخواهیم از زندگی بهره ببریم و اگر بخواهیم بعد از یک عمر وقتی به گذشته خودمان باز می‌گردیم ببینیم که ضرر نکرديم و بهترین معامله را انجام دادیم باید از تحصیل علم دست برداریم، باید برای دانش اندوزی به خصوص مسیری که ما در آن هستیم، دائماً در تکاپو و جنب و جوش باشیم.

اگر با این نگاه به مسئله تحصیل علم نگاه کنیم، دیگر مهم نیست که کسی ارزش این کار ما را بداند و یا نداند. زیرا یک سرمایه اندوزی واقعی است، اگر دانستند برای جامعه و مردم و برای دیگران ترغیب و تشویق خواهد بود و اگر ندانستند خسارتی متوجه ما نیست. فرق نمی‌کند شرایط، شرایط مطلوب باشد یا شرایط مطلوب نباشد، فرق نمی‌کند ما بازاء مالی داشته باشد یا نداشته باشد، اگر نگاه ما به تحصیل علم و دانش اینچنین باشد دیگر امور عارضی دیگر که در زندگی بشر پیش می‌آید، حالات مختلفی که برای انسان بوجود می‌آید یا شرایط مختلفی که برای انسان به وجود می‌آید یا سختی‌هایی که در معشیت وجود دارد مخصوصاً در این ایام، درست است که این‌ها گاهی ره زن است و مانع از تعقیب این هدف است، انسان را از این راه و مسیر دل زده کند. به هر حال استقامت و صبر و بردباری و تحمل سختی‌ها در این مسیر خیلی می‌تواند ما را برای وصول به هدف کمک کند و باید سعی کنیم برای اغلب اوقاتمان برنامه ریزی داشته باشیم تا در این مسیر باشیم و دیگر توجیه و عذر و بهانه‌ای برای سستی در تحصیل علم و توقف در تحصیل نیاوریم.

خاصیت علم این است که آنچه که اندوخته نیز فرار می‌کند، بلکه ممکن است تذکر و یادآوری این دانسته‌ها را در ما حفظ کند، هم در ذهن و هم در مقام عمل، اگر مراقبت نباشد، هم خود قضایا و مفاهیم از ذهن فرار می‌کند، اینکه انسان دانسته‌های خودش را از یاد ببرد زیاد پیش می‌آید و اگر خدای نکرده مراقبت هم نکند باعث بعضی از رفتارها می‌شود و در مقام عمل هم باعث سقوط می‌شود، آن وقت همان چیزی که در گذشته روح ما را متسع کرده بود، اگر این مظروف از داخل این ظرف بیرون رود چه از حیث نظری و چه از حیث عملی این دوباره این ظرف را کوچک می‌کند، یعنی روحی که با اندوختن دانش عملی و نظری اتساع پیدا کرده بود و انسان به مقامات و کمالاتی رسیده بود، اگر در مقام عمل مراقبت نکند، اگر در مقام نظر ممارست نکند، این عدم ممارست و عدم مراقبت چه در بعد نظری و چه در بعد عملی باعث می‌شود روح و این ظرف مجدداً برگردد، لذا شما می‌بینید انسان ممکن است از نردبان ترقی و کمال بالا رود، اما بعد از مدتی دوباره از این پله‌ها شروع می‌کند به پایین آمدن. انشاء الله خداوند متعال به همه ما توفیق دهد که بتوانیم با اندوختن علم حقیقی که علم الهی است به ویژه علم توحید و عمل به آن، روح خودمان را و این ظرف

وجودی خودمان را وسعت دهیم و انشاء الله خداوند متعال عنایت کند و ما خودمان همت کنیم و از خداوند متعال، از ارواح طیبه اهل بیت علیهم السلام و از وجود مقدس بقیه الله الاعظم استمداد کنیم که این توفیق از ما سلب نشود.

مروری بر مباحث گذشته

بحث ما در مسئله اجتماع امر و نهی بود. شاید سال گذشته اغلب جلسات بحثی ما که حدوداً ۷۹ جلسه بود به این موضوع گذشت. بعد از اینکه مقدمات بحث را گفتیم و محل نزاع و بحث را تنقیح کردیم، ادله امتناع اجتماع امر و نهی را بیان کردیم، حدوداً چهار دلیل بیان شد که به صورت فهرست وار آن‌ها را بیان می‌کنم تا مشخص شود که الان کجای بحث هستیم.

ادله قائلین به امتناع اجتماع امر و نهی

چهار دلیل بر امتناع اجتماع امر و نهی بیان کردیم:

دلیل اول: برخی از این ادله به مبادی امر و نهی مربوط می‌شدند، برخی به خود امر و نهی و برخی به آثارش.

یکی از ادله این بود که اجتماع امر و نهی ممتنع است، زیرا اراده و کراهت با هم قابل جمع نیستند، اراده از مبادی امر و کراهت از مبادی نهی است و چون امکان اجتماع اراده امر و نهی نیست، پس امر و نهی قابل اجتماع نیستند. پاسخ این دلیل داده شد و این دلیل رد شد.

دلیل دوم: برخی از ادله به یک مرحله قبل از اراده و کراهت ناظر بود که به مبادی مربوط است، مثلاً اینکه امکان اجتماع امر و نهی نیست، زیرا شیء واحد نمی‌تواند هم مبعوض باشد و هم محبوب. این دلیل را نیز رد کردیم.

دلیل سوم: دلیل دیگر این بود که شیء واحد نمی‌تواند هم متعلق امر باشد و هم متعلق نهی (به تقریری که بیان کردیم)

دلیل چهارم: شیء واحد نمی‌تواند هم مصلحت لازمه الاستیفاء داشته باشد و هم مفسد لازمه الاجتناب.

لذا تقریباً ما چهار دلیل از ادله قائلین به امتناع را ذکر کردیم و هر چهار دلیل را رد کردیم. البته آنچه که به عنوان چهار دلیل در این جلسه بیان کردیم، چیزی در حدود ۳۰ جلسه درسی در سال قبل بود.

ادله قائلین به جواز اجتماع امر و نهی

در این موضوع شش دلیل بیان کردیم که پنج دلیل چندان قابل قبول نبود و برخی اشکال جدی داشتند، از میان این شش دلیل، یک دلیل، دلیلی بود که امام خمینی بیان کرده بودند که چهار مقدمه داشت و ما این چهار مقدمه را بیان کردیم و نتیجه گرفتیم که اجتماع امر و نهی ممتنع نیست.

مقدماتی که امام خمینی فرمودند را بیان کردیم و اشکالاتی که به آن‌ها وارد بود را پاسخ دادیم و این دلیل را تقویت و تحکیم کردیم.

مقدمه اول: امر از عنوان متعلق خودش به عنوان دیگر که در خارج وجوداً متحد با آن است. سرایت نمی‌کند.

مقدمه دوم: تمام الموضوع در مطلق، طبیعت است و لاغیر.

مقدمه سوم: ماهیت و طبیعت کاشف از افراد نیست، هرچند در خارج می‌تواند با آن‌ها متحد شود.

مقدمه چهارم: متعلق اوامر و نواهی طبیعت است، منتهی نه به قید وجود ذهنی و نه به قید وجود خارجی.

بنابراین وقتی می‌بینیم که چیزی هم متعلق امر است و هم متعلق نهی، در واقع باید بین دو چیز تفکیک کنیم، بین آنچه که متعلق امر و نهی است و آنچه که مؤثر در حصول غرض است و امام خمینی می‌فرمودند: آقایان بین این دو چیز خلط کردند، بین ما هو المؤثر فی حصول الغرض و بین متعلق امر و نهی.

نتیجه این شد که ما به استناد این دلیل عرض کردیم اجتماع امر و نهی جایز است.

این بحث ثمراتی هم دارد که ما آن را به تفصیل ذکر کردیم.

این محصل تمام بحث‌هایی بود که در مسئله اجتماع امر و نهی ذکر کردیم تا رسیدیم به بحث تنبیهات.

تنبیهات مسئله اجتماع امر و نهی

عرض کردیم که محقق خراسانی در کفایه اولین تنبیهی که متعرض شده است ملاک اضطرار رافع حرمت است. ایشان تنبیه اول را تحت این عنوان مطرح کرده است، اما ما عرض کردیم اولین تنبیه را درباره عبادات مکروه مطرح می‌کنیم، این مقدار را نیز سال گذشته متعرض شدیم، منتهی چون چند ماهی فاصله شده است چاره‌ای نیست جز اینکه مروری بر این تنبیه داشته باشیم.

تنبیه اول: عبادات مکروهه

این بحث را محقق خراسانی ذیل یکی از ادله جواز اجتماع امر و نهی ارائه کردند. محقق خراسانی امتناعی است و از کسانی است که قائل به امتناع اجتماع امر و نهی است و می‌گوید: نمی‌شود شیء واحد هم متعلق امر باشد و هم متعلق نهی، کسی که در دار غضبی نماز می‌خواند نمی‌شود نماز او هم متعلق امر باشد و هم متعلق نهی؛ ایشان امتناعی است، منتهی ادله جواز را یک به یک نقل و رد کرده است.

یکی از ادله جواز اجتماع که محقق خراسانی متعرض شده و آن را رد کرده این است که در فقه در بعضی از موارد می‌بینیم این اتفاق افتاده است، ادل دلیل علی امکان الشئ و وقوعه، احسن الدلیل علی جواز الشئ و امکانه و وقوعه فی الخارج، این یک دلیلی است که قائلین به جواز ذکر کردند و می‌گویند مواردی در فقه مشاهده می‌کنیم که امر و نهی یا به تعبیر دقیق‌تر دو حکم تکلیفی در آن اجتماع کردند، مثلاً نماز در حمام که به عنوان نماز متعلق امر است اما به عنوان وقوع در حمام متعلق نهی است، منتهی نهی آن تحریمی نیست بلکه نهی تنزیهی است، یعنی کراهت است. بالاخره اینجا وجوب و کراهت اجتماع کردند، (چون ما قبلاً هم گفتیم که بحث اجتماع امر و نهی منحصر در وجوب و حرمت نیست و شامل سایر احکام هم می‌شود، امر و وجوبی، امر استحبابی، از آن طرف هم نهی تحریمی و تنزیهی را نیز در بر می‌گیرد.) اگر شما می‌گویید: اجتماع امر و نهی یا به تعبیر دیگر اجتماع دو حکم تکلیفی ممتنع است، پس چرا در فقه می‌بینیم که امر و نهی با هم اجتماع کردند؟ در نماز در حمام، یا مورد دیگری که محقق خراسانی بیان کردند یعنی صوم یوم العاشور که روزه فی نفسه مستحب است پس امر استحبابی دارد، از آن طرف وقوعش در روز عاشورا مکروه است یعنی نهی تنزیهی دارد، اینجا نیز دو حکم تکلیفی با هم اجتماع کردند که عبارتند از حکم استحباب و حکم کراهت. یا مثلاً نماز در مسجد، نماز یومی به عنوان خودش واجب است اما اگر کسی همین نماز را در مسجد بخواند مستحب است، اینجا نیز دو حکم مجتمع شده است، حکم وجوب و حکم استحباب، حال شما چطور می‌گویید نمی‌شود دو حکم با هم جمع شوند یا نماز خواندن در موضع تهمت، اگر کسی بخواهد در موضع تهمت نماز بخواند یعنی در مکانی که منشاء تهمت برای او شود، عمل او به اعتبار نماز امر دارد و واجب است و به اعتبار اینکه در موضع تهمت است نهی دارد و کراهت دارد. اینجا نیز دو حکم اجتماع پیدا کردند، امر و

نهی، البته امر وجوبی و نهی تنزیهی. کأنه مستدل می‌گوید: با توجه به اینکه این موارد در فقه واقع شده است و وقوع یک چیزی در خارج بهترین دلیل بر جواز و امکان آن است معلوم می‌شود اجتماع امر و نهی جایز است.

محقق خراسانی این دلیل را در ضمن ادله جواز اجتماع ذکر کردند. ایشان آنجا وارد این بحث شده است و شروع به جواب دادن به این دلیل کرده است، منتهی ما عرض کردیم چون بحث ما از مسیر خودش خارج می‌شود و این بحث طولانی می‌شود اجمالا به طریقی سخن محقق خراسانی را بیان کردیم و بررسی تفصیلی آن را برای این جا گذاشتیم. پس به این دلیل ما بحث عبادات مکروه را که فی نفسه می‌تواند یک بحث مستقل باشد که آیا بالاخره عبادات مکروه می‌تواند دلیل بر جواز باشد یا خیر را در اینجا مطرح کردیم.

البته این مشکل منحصر به قائلین به امتناع نیست. عمده گروهی که باید این مشکل را حل کنند قائلین به امتناع هستند، آنها می‌گویند امکان اجتماع امر و نهی نیست، لذا باید این موارد را پاسخ دهند. قائلین به جواز که با این عبادات مشکلی ندارند، (ما گفتیم که امر و نهی با هم قابل اجتماع هستند. حالا طرقتش مختلف است، بعضی از راه تعدد عنوان خواستند وارد شوند برخی از راه تعدد طبیعت خواستند وارد شوند، برخی از راه تعدد مقوله خواستند وارد شوند، راه‌ها مختلف بود، ما همه این ها را گفتیم. محقق نایینی از یک راه، محقق عراقی از یک راه، امام خمینی از یک راه) بالاخره کسی که قائل به جواز اجتماع امر و نهی است مشکلی در این جهت ندارد، او می‌گوید امر و نهی قابل اجتماع هستند و عبادات مکروه نیز از این حیث مشکلی برایشان پیش نمی‌آید.

اما قائلین به امتناع مثل محقق خراسانی نسبت به عبادات مکروهه باید پاسخ دهند که اگر قائل به امتناع اجتماع امر و نهی می‌باشند، اگر می‌گویند امر و نهی با هم قابل اجتماع نیستند، چه پاسخی در مورد این قبیل عبادات مثل روزه عاشورا و نماز در حمام یا نماز در موضع تهمت دارند؟

کلام محقق خراسانی

اینجا محقق خراسانی یک پاسخ اجمالی دادند به این مسئله و یک پاسخ تفصیلی.

پاسخ اجمالی

پاسخ اجمالی محقق خراسانی سه تا است، خیلی خلاصه سه وجه به عنوان پاسخ اجمالی به این مسئله بیان کردند:

وجه اول

اگر به دلیل عقلی قطعی ثابت شد که اجتماع امر و نهی ممتنع است، باید این موارد را توجیه و در ظاهرشان تصرف کنیم. پس آن امتناع عقلی اجتماع امر و نهی به قوت خودش باقی است و باید این موارد را توجیه کنیم.

وجه دوم

این اشکال تنها متوجه ما که قائل به امتناع اجتماع امر و نهی هستیم، نیست بلکه قائلین به جواز نیز باید به این مسئله پاسخ دهند. چطور، چرا این اشکال متوجه آنها است؟ محقق خراسانی می‌فرماید به این دلیل باید پاسخ دهند که این موارد با مثل نماز در دار غصبی با هم متفاوت است. ما در مثل نماز در دار غصبی دو عنوان داشتیم، در جایی که دو عنوان باشد از راه تعدد عنوان یا تعدد طبیعت یا تعدد مقوله می‌توان این مشکل را حل کرد، بگوییم امر به یک عنوان خورده و نهی به عنوان دیگر، امر به یک طبیعت خورده و نهی به یک طبیعت دیگر، اما این مواردی که اینجا بیان شده است هیچ کدام دو عنوان نیستند، این ها همه یک عنوان

هستند. نماز در حمام یک عنوان بیشتر نیست، ما دو عنوان نداریم، یک عنوان نماز است، عنوان نماز، طبیعت نماز، متعلق امر واقع شده است و آن دیگری کون فی الحمام است، کون فی الحمام که یک عنوان دیگری نیست، کون فی الحمام که مباح است و متعلق نهی نیست و چیزی نیست که در کنار دیگری مستقلاً مورد نهی واقع شده باشد یا مثلاً صوم یوم العاشور، خود روزه یک عنوان است ولی وقوع فی یوم العاشور یک عنوان مستقل در مقابل نماز نیست. پس قائلین به جواز باید پاسخ دهند، زیرا آن‌ها هم معتقدند که در جایی که عنوان متعدد نباشد اجتماع ممتنع است، پس وجه دوم پاسخ محقق خراسانی این شد که این موارد نه تنها به عنوان نقض و اشکال به قائلین به امتناع اجتماع امر و نهی متوجه می‌شود بلکه به قائلین به جواز هم بر می‌گردد.

وجه سوم

در مسئله اجتماع امر و نهی به طور کلی بحث مربوط به جایی است که قید مندوحه وجود داشته باشد ولی حداقل در برخی از این موارد قید مندوحه نیست.

البته این پاسخ‌ها یک پاسخ اجمالی بود اما محقق خراسانی یک پاسخ تفصیلی دارند که بعداً آن را عرض می‌کنم، در واقع جلسه امروز مروری بود بر بحث‌های گذشته و چون به نوعی وسط مطلب بحث تعطیل شد لذا به ناچار می‌بایست یک مروری می‌کردیم بر مباحث قبلی.

پس موضوع بحث عبارت است از مسئله عبادات مکروه به عنوان تنبیه اول که این عبادات به عنوان نقض بر قائلین به امتناع اجتماع مثل محقق خراسانی مطرح شده است، محقق خراسانی در مقام پاسخ یک پاسخ اجمالی دادند و یک پاسخ تفصیلی که پاسخ اجمالی بیان شد و پاسخ تفصیلی را در جلسه بعد بیان می‌کنیم.

«والحمد لله رب العالمین»